

Corona Crisis & Changing Strategic Dynamics of the International System

Rahman Najafi Sayyar

Assistant Professor of International Relations, S.N.D.U; Tehran, Iran.

political19@gmail.com

Abstract

The Corona crisis has involved most of the world in various forms by introducing new categories of security called health security. Instead of working together to address these challenges, some countries are moving toward competition and intolerance, resulting in the formation of new patterns in international order. In this context, the question that arises is "what effect will the Corona crisis have on the strategic dynamics of the international system and the model of world order?" In response to the hypothesis, it can be said that the "Corona crisis as an intervening and driving variable" has accelerated the process of strategic changes in the international system from the past; In such a way that the models of the liberal order no longer meet the diverse needs and concerns of human beings, the world system tends to move towards more non-Western models of international relations and more responsible political systems, such as the Eastern models or the transnational model of transnational government. Thus, the corona crisis cannot be considered as an independent variable that fundamentally changes the international order; Rather, it is an "intervening and accelerating variable" that will accelerate the process of change in the existing international order. Therefore, there is no disagreement about the fact that with the occurrence of the Corona crisis, the existing international order has witnessed changes and developments, but about how these changes will be, their intensity and depth, or how to manage this crisis. How it should be, there is a difference of opinion. In this article, using the descriptive-analytical method and the theories of international relations experts, we will examine the impact of the corona crisis on the strategic dynamics of the international system and the future of the world system.

Keywords: *Corona crisis, driving variable, weakening globalization, global competition*

بحران کرونا و تغییر پویش‌های راهبردی نظام بین‌الملل^۱

رحمان نجفی سیار

استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران political19@gmail.com

چکیده

بحران کرونا با مطرح کردن مقوله‌ای جدید در باب امنیت به‌نام امنیت بهداشت و درمان، اکثر کشورهای جهان را در اشکال مختلف درگیر کرده است. برخی کشورها به‌جای آنکه به سمت همکاری برای مقابله با این چالش‌ها پیش بروند، به سمت رقابت و ناسازواری حرکت می‌کنند که نتیجه آن، شکل‌گیری الگوهای جدیدی در نظم بین‌المللی است. در این چهارچوب، این پرسش مطرح می‌شود که «بحران کرونا چه تأثیری بر پویش‌های راهبردی نظام بین‌الملل و الگوی نظم جهانی خواهد گذاشت؟» در پاسخ به‌عنوان فرضیه می‌توان گفت بحران کرونا به‌عنوان «متغیر مداخله‌گر و پیشران» باعث تسریع در روند تغییرات راهبردی نظام بین‌الملل از گذشته شده؛ به‌گونه‌ای که دیگر الگوهای نظم لیبرالی جوابگوی نیازها و دغدغه‌های متنوع بشری نیست و نظام جهانی بیشتر به سمت الگوهای غیرغربی روابط بین‌الملل و نظام‌های سیاسی مسئولیت‌پذیرتر همانند الگوهای شرقی و یا مدل دولت‌سازی فراملی موردنظر نظریه‌پردازان انتقادی پیش می‌رود. بدین ترتیب، بحران کرونا را نمی‌توان به‌عنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفت که تغییردهنده اساسی نظم بین‌المللی باشد؛ بلکه یک «متغیر مداخله‌گر و شتاب‌دهنده» است که روند تغییر در نظم بین‌المللی موجود را شدت خواهد بخشید. درخصوص این موضوع که با وقوع بحران کرونا، نظم بین‌المللی موجود شاهد تغییر و تحولاتی بوده اختلاف نظر وجود ندارد، اما بر سر اینکه این تغییرات، شدت و عمقش چگونه خواهد بود و یا اینکه نحوه مدیریت این بحران چگونه باید باشد، اختلاف نظر وجود دارد. در این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از نظریات خبرگان روابط بین‌الملل به بررسی تأثیر بحران کرونا بر پویش‌های راهبردی نظام بین‌الملل و آینده نظام جهانی خواهیم پرداخت.

واژه‌های کلیدی: بحران کرونا، متغیر پیشران، تضعیف جهانی شدن، رقابت‌های جهانی

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۱۳ تاریخ بازبینی: ۹۹/۰۹/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۳۰

فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۹، صص ۴۰۱-۴۲۲

مقدمه

پایان جنگ سرد تأثیرات گسترده‌ای را در سطوح و ابعاد مختلف مناسبات بین‌المللی به دنبال داشت که تغییر محیط امنیتی مهم‌ترین ثمره آن در حوزه مطالعات امنیت ملی است. بعد از جنگ سرد، محیط امنیتی نوینی پدیدار گشته که محوریت در آن با نقش‌آفرینی حکومت‌ها نمی‌باشد؛ بلکه بیشتر تعامل حکومت با بازیگران غیردولتی مدنظر است. در این دوره، هرچند بسیاری از تهدیدات فروکاست، مسئله سلاح هسته‌ای و تکثیر آن، منازعات بین دولت‌ها و تولید گسترده سلاح‌های کشتار جمعی همچون گذشته در جریان است. از طرف دیگر، تهدیدهای غیر سنتی‌ای هم پدید آمده‌اند که فضای جهانی را ناامن می‌سازند؛ از جمله می‌توان به روند رو به افزایش دولت‌های ضعیف و شکل‌گیری وفاداری فراملی اشاره داشت که سهم به‌سزایی در تحولات عصر حاضر دارند. پدیده‌هایی چون مهاجرت گسترده نخبگان، جنبش‌های فراملی، تهدیدات زیست‌محیطی و بیولوژیک و ... از جمله عواملی هستند که از سوی تحلیل‌گران امنیتی به صورت جدی مورد توجه قرار گرفته‌اند و به‌عنوان عوامل مؤثر در تعریف وضعیت امنیت ملی شناخته شده‌اند (مظلوم، ۱۳۸۸، ص. ۱۸۹). بدین ترتیب، محیط امنیتی بعد از جنگ سرد، مبتنی بر نتایج حاصل از روندهای زیر است: نخست، کاهش توفیق دولت‌های صنعتی برای جلوگیری از بروز جنگ یا برافروختن آن به علت حضور بازیگران جدید غیردولتی؛ دوم، آمیخته شدن منازعات بین دولتی با تروریسم به معنای توانایی بازیگران مادون و فراملی در انجام عملیات در درون و خارج از مرزهای ملی؛ سوم، بروز خشونت در اثر تفاوت‌های اخلاقی و مذهبی در درون

واحدهای ملی و افزایش امواج مهاجرت؛ چهارم، تقویت سازمان‌های جنایی و توانایی آنها در به چالش کشیدن دولت‌ها؛ پنجم، ایجاد تعامل بین گروه‌های قومیت‌گرای سیاسی و جنایی در عرصه بین‌المللی و ششم، تقویت پیوند نزاع و بی‌ثباتی با مقوله توسعه و رشد اقتصادی و چالش دولت‌ها. در نتیجه، این تحولات سبب ایجاد سیاست امنیتی معنایی متفاوت از دوران قبل از جنگ سرد شده است (عسگرخانی و رحمتی، ۱۳۸۹، ص. ۶۵).

در این چهارچوب، حوزه مطالعات امنیتی به دو نوع رویکرد دولت‌محور و غیردولت‌محور طبقه‌بندی می‌شود. هم‌زمان با توسعه مطالعات امنیت ملی، مقوله تهدیدات نیز متحول گردیده و شاهد توجه به کانون‌های تهدیدزای تازه‌ای می‌باشیم که عمدتاً غیردولتی بوده است. در واقع پایان جنگ سرد به معنای گذار از یک پارادایم سنتی به پارادایمی مدرن از امنیت می‌باشد که به واسطه آن معنا، تئوری، راهبرد و استراتژی امنیت ملی تغییر یافته است. در حال حاضر با شیوع ویروس کرونا، اندیشمندان احتمال می‌دهند که مرحله جدیدی در عرصه سیاست و امنیت بین‌الملل به وقوع می‌پیوندد که سبب چرخش استراتژی سیاست جهانی و امنیت ملی و بین‌المللی خواهد شد؛ به‌گونه‌ای که مفاهیم سنتی قرن بیست و یکم همانند «پسا جهانی‌سازی» و «پسا یازده سپتامبر» جای خود را به دنیای پسا کرونا خواهد داد. نظر به اهمیت بحران کرونا و تأثیرگذاری آن بر مناظرات نظری روابط بین‌الملل و نیز پیامدهای راهبردی آن بر پویش‌های انضمامی بین‌الملل در این مقاله به بررسی و تبیین تأثیرات بحران کرونا بر تحولات ژئواستراتژیک بین‌الملل (در دو سطح نظری و راهبردی) و همچنین ترسیم الگوهای نظام جهانی در عصر پسا کرونا خواهیم پرداخت.

۱. بحران کرونا و نظریات متعارض در روابط بین‌الملل

صاحب‌نظران در خصوص اینکه بحران کرونا باعث تسریع در روند تغییر نظم بین‌المللی موجود می‌شود، اتفاق نظر دارند، اما بر سر اینکه این تحولات (شدت و عمقش) به چه شکل خواهد بود و یا اینکه نحوه مدیریت آن چگونه باید باشد، نظر واحدی ندارند. برخی رویکردهای نظری بر اهمیت همکاری‌های فراملی و

تقویت نهادهای بین‌المللی، برخی دیگر بر تقویت دولت‌های ملی و لزوم استقلال اقتصادی و عده‌ای دیگر نیز بر اهمیت همکاری‌های اخلاقی بین‌المللی مبتنی بر عقلانیت استعلایی برای مقابله با بحران کرونا و تبعات ناشی از آن تأکید می‌ورزند. در ذیل به رویکردهای نظری مختلف راجع به بحران کرونا و مدیریت پساکرونایی در نظم بین‌الملل می‌پردازیم.

الف) لیبرال‌های محافظه‌کار

این جریان که بیانگر جریان حاکم نظام بین‌الملل آمریکایی در شرایط کرونایی است؛ معتقد است که هرچند بحران کرونا باعث ایجاد تغییر و تحولات جزئی در نظام بین‌الملل می‌شود، نمی‌توان آن را به‌عنوان یک نقطه عطف ژئوپلیتیکی در نظر گرفت. «ژوزف نای» از صاحب‌نظران معروف این جریان معتقد است که «بحران کرونا بعید است تأثیرات شگرفی در نظام بین‌الملل در پی داشته باشد» (Nye, 2020)؛ وی در این شرایط بر تقویت و ادامه نظم بین‌المللی لیبرال به رهبری آمریکا تأکید می‌ورزد. ژوزف نای، معتقد است آمریکا همچنان به‌واسطه مزیت‌های ژئوپلیتیکی، جمعیتی و انرژی می‌تواند به رهبری خود در دنیا ادامه دهد. به اعتقاد وی تنها چیزی که می‌تواند این وضعیت را تغییر دهد رویکرد ملی‌گرایانه رهبران جدید آمریکا است. لیبرال‌های محافظه‌کار تنها راه‌حل برون‌رفت از بحران فعلی کرونا را تقویت همکاری‌های بین‌المللی، پرهیز از ناسیونالیسم و راست‌گرایی می‌دانند.

ب) واقع‌گرایان اصلاح‌طلب

واقع‌گرایان اصلاح‌طلب در مقابل جریان لیبرال معتقدند که با بحران کرونا جهان شاهد احیا و بازگشت دولت‌های ملی و تقویت قدرت آنها خواهد بود. در مقابل، جهانی‌شدن لیبرال مبتنی بر وابستگی متقابل کشورها نیز تضعیف خواهد شد. از دیدگاه واقع‌گرایان، به‌رغم ضرورت همکاری‌های بین‌المللی در مواجهه با بحران کرونا، دولت‌ها بر پایه منطق «خودپرستی» و «استقلال» خود، در دستیابی به این همکاری‌ها ناکام هستند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۹). واقع‌گرایان از گذشته، منتقد

جهانی شدن لیبرال بودند و معتقدند که وابستگی متقابل نمی‌تواند ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل را تغییر دهد؛ زیرا به همان میزان که منافی دارد، آسیب‌پذیری کشورها را نیز افزایش خواهد داد. در این زمینه، تأثیرات بحران مالی ۲۰۰۸ آمریکا به سایر کشورها بیانگر آسیب‌پذیری کشورهای جهان در شرایط جهانی شدن اقتصاد و وابستگی متقابل است (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۴).

«استفان والت» از نظریه‌پردازان برجسته واقع‌گرا در تحلیل جدید خود در زمینه آسیب‌شناسی پیامدهای شیوع ویروس کرونا بر روند جهانی شدن نوشت: «برخلاف آنچه برخی از پژوهشگران طی سال‌های اخیر در مورد کاهش نقش دولت‌ها و جایگزینی آنها با سازمان‌های بین‌المللی و نیروهای اجتماعی نظریه‌پردازی کرده‌اند، بحران کرونا بار دیگر نشان داد که هنوز هم دولت‌ها، یگانه بازیگر اصلی برای حفظ امنیت و جان مردم خود هستند و شهروندان نیز در چنین مواقعی همین نگاه را به دولت‌ها دارند. همه‌گیر شدن کرونا می‌تواند دولت‌ها را که هم‌اکنون نیز دیگر تمایل چندانی به پیمودن روند جهانی شدن ندارند و سعی در ارتقای استقلال خود دارند، بیش از پیش از این مسیر (جهانی شدن) خارج کند» (Walt, 2020). والت در خصوص اهمیت دولت‌ها در شرایط بحرانی افزود: «همان‌طور که "درک تامسون"، روزنامه‌نگار نیویورک‌تایمز در توییت نوشت: "در شیوع بیماری‌های واگیردار جایی برای آزادی فردی نیست"، این دیدگاه لزوماً برای آن نیست که تلاش‌های جهانی کماهمیت جلوه داده شود، بلکه به این دلیل طرح می‌شود تا به ما گوشزد کند که به‌رغم جهانی شدن، بازیگر سیاسی اصلی در جهان امروز باقی مانده‌اند. واقع‌گرایان برای دهه‌ها است که این نکته را مورد تصریح قرار داده‌اند و اکنون شیوع ویروس کرونا بار دیگر این نکته را یادآور شد.» (Walt, 2020).

البته واقع‌گرایان به این نکته اعتقاد دارند که بحران کرونا و تقویت ایده دولت‌گرایی، منجر به افزایش استقلال اقتصادی و ملی‌گرایی اقتصادی کشورها خواهد شد. در این زمینه، پدیده «ترامپیسزم» در آمریکا و وقوع «برگزیت» در اروپا، بیانگر بازگشت به ملی‌گرایی و استقلال اقتصادی است که بحران کرونا این جریان

را تقویت کرده است. استفان والت در خصوص پیامدهای سیاسی مخرب بحران کرونا نیز تصریح می‌کند: «در شرایط بحران کرونا دولت‌ها برای مدیریت بحران و کنترل وضعیت اضطراری، مداخلات خود در نظام سیاسی اقتصادی‌شان را افزایش داده‌اند که این حمایت‌گرایی در برخی کشورها به اقتدارگرایی منجر شده است؛ زیرا این دولت‌ها به راحتی حاضر نیستند به سطح اختیارات قبلی خود باز گردند» (Walt, 2020). تنش بین «دونالد ترامپ» و آقای «کومو»، فرماندار ایالت نیویورک، بر سر مدیریت بحران کرونا در این زمینه بیانگر تبدیل این وضعیت حمایت‌گرایی به اقتدارگرایی است. ترامپ خواستار مداخله در امورات داخلی ایالت‌های آمریکا به بهانه مدیریت قرنطینه در این کشور بود که این امر، نظام فدرالیسم آمریکایی را دچار چالش کرده است. با اینکه ایالت‌های آمریکا در بسیاری از امورات داخلی خود؛ از جمله امورات بهداشتی، غذایی، اقتصادی و ... مستقل هستند، ترامپ خواستار افزایش اقتدارگرایی و اختیارات خود در قبال مسائل داخلی ایالت‌ها شد. این موضوع، دیدگاه واقع‌گرایان را در شرایط وقوع یک بحران (کرونا) مبنی بر تقویت قدرت ملی، استقلال اقتصادی و افزایش اقتدارگرایی در نظام حکومتی یک کشور به اثبات می‌رساند.

ج) نظریه پردازان انتقادی

این جریان اساساً معتقد به امکان و ضرورت «تغییر» در نظم بین‌المللی موجود است؛ زیرا این نظم را ناعادلانه و مبتنی بر ساختارهای اقتصادی و ایدئولوژیک نابرابر می‌داند (Cox, 1981, p. 539). نظریه‌پردازان انتقادی، مصداق ساختارهای ایدئولوژیک ناعادلانه را در چگونگی مدیریت بحران کرونا دانسته که طی آن، کشورهای لیبرال غربی از بین بیماران کرونایی دست به انتخاب زده و نظام پزشکی آنها همانند نظام سیاسی - اجتماعی‌شان مبتنی بر منطق هزینه - فایده، اصول بشردوستی را کنار گذاشتند و بیماران سالمند را در اولویت خدمات درمانی و پزشکی خود قرار ندادند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۹).

بر این اساس، نظریه‌پردازان انتقادی، منطق «هزینه - فایده» مبتنی بر «عقل ابزاری» را مورد نقد و نفی قرار داده و در مقابل، بر منطق «فایده - فایده» مبتنی بر

«عقلانیت اخلاقی _ استعلایی» تأکید ورزیدند. از اندیشمندان سرشناس این گروه در جهان غرب می‌توان به «یورگن هابرماس» اندیشمند معروف آلمانی و «نوام چامسکی» نظریه‌پرداز منتقد سیاست‌های آمریکا اشاره کرد. در سطح کشورهای در حال توسعه مقاماتی همچون «ماهاتیر محمد»، نخست‌وزیر پیشین مالزی و آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در جمهوری اسلامی ایران در زمره نظریه‌پردازان انتقادی قرار می‌گیرند. مقام معظم رهبری در سخنرانی خود در بحث کرونا، به این منطق هزینه _ فایده لیبرال‌ها و عقلانیت ابزاری آنها که نتیجه آن گزینش در خدمات پزشکی به بیماران بوده به شدت انتقاد کرده و در مقابل بر تلاش‌ها و زحمات مجاهدانه نیروهای پزشکی ج.ا.ایران و استمداد آنها از درگاه الهی تحسین کردند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹).

ماهاتیر محمد نیز در کنفرانس امنیتی دوحه با عنوان «بازترسیم حکمرانی در جهان چند قطبی» چند ماه قبل از شیوع کرونا به نقد سیاست‌های لیبرالی آمریکا در مدیریت سیاست بین‌الملل پرداخته است. ایشان ریشه بسیاری از مشکلات جهان اسلام را نتیجه مداخله‌گری‌های ایالات متحده و فرهنگ مادی‌گرایی محض این کشور دانسته است (Doha Forum, 2019).

به‌هرحال، نظریه‌پردازان انتقادی بر ضرورت پرهیز از منطق ملی‌گرایی مبتنی بر هزینه _ فایده و واگذاری صلاحیت‌ها و اختیارات بیشتر به نهادهای فراملی تأکید می‌کنند. فراملی‌گرایی همچون یورگن هابرماس در شرایط بحران کرونایی بر ضرورت تشکیل صندوق مشترک اروپایی برای برون‌رفت از این بحران تأکید کردند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: (Habermas, 2020).

۲. بحران کرونا و تأثیرات راهبردی در نظام بین‌الملل

بحران کرونا به‌عنوان یک متغیر تسریع‌کننده، علاوه بر تأثیرگذاری بر مناظرات نظری و نظریه‌های روابط بین‌الملل، آثار و پیامدهایی بر روی پویای راهبردی نظام بین‌الملل نیز داشته که مهم‌ترین آنها به شرح موارد زیر است:

الف) ظهور ناسیونالیسم، نژادپرستی و بیگانه‌هراسی

در بحران کرونا، جهان تاحدی شاهد نژادپرستی، بیگانه‌هراسی و ملی‌گرایی است. سیاه‌پوستان در ایالات‌متحده شکایت دارند که از مراکز درمانی این کشور معالجه یکسانی دریافت نمی‌کنند (بر مبنای همان منطق هزینه _ فایده‌لیبرال‌ها که در مبنای نظری به آن اشاره شد). آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار نیز در معرض بی‌اعتنایی، سوءرفتار و سهل‌انگاری قرار دارند. آمریکایی‌های آسیایی‌تبار نیز مقصر هستند که ویروس را وارد ایالات‌متحده می‌کنند؛ زیرا دونالد ترامپ این ویروس را ویروس چینی خوانده است. بسیاری از مهاجران آمریکایی در خصوص سهل‌انگاری سلامتی از سوی دولت‌مردان این کشور شکایت دارند؛ (به‌عنوان مثال درخصوص عدم انجام آزمایش مناسب، عدم تخصیص تخت بیمارستانی، عدم ارائه دارو، کمک نکردن از دولت در هنگام قفل شدن و اجبار به ترک کردن).

در این زمینه، بر اساس گزارشی که خبرگزاری سی.ان.ان در «برنامه تحقیقاتی خود با عنوان «تعقیب کرونا» ارائه داد؛ اقلیت‌های آمریکایی و به‌ویژه سیاه‌پوستان این کشور در معرض تبعیض ویژه‌ای قرار دارند. بر اساس این گزارش، اقلیت‌های سیاه‌پوست آمریکا با آمار بسیار بالاتری از دیگر اقلیت‌ها در اثر بیماری کرونا می‌میرند؛ درحالی‌که سیاه‌پوستان ۱۳ درصد جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند، ۲۷ درصد جان باختگان کووید-۱۹ را در برمی‌گیرند. در مقابل، ۶۰ درصد جمعیت آمریکا سفیدپوست هستند، ولی ۴۹ درصد قربانیان کرونا را شامل می‌شوند (C.N.N, 2020).

براساس گزارش سی.ان.ان، نرخ مرگ و میر سیاه‌پوستان بر اثر کرونا ۲,۴ برابر بیشتر از سفیدپوستان در آمریکا است. همچنین، سرخ‌پوستان و لاتین‌تبارها ۱,۵ برابر بیشتر از سفیدپوستان در آمریکا بر اثر کرونا جان خود را از دست می‌دهند. علت این تلفات بیشتر سیاه‌پوستان و رنگین‌پوستان طبق گزارش سی.ان.ان و دیدگاه برخی دیگر از تحلیل‌گران آمریکایی، تبعیض در ارائه مراقبت‌های بهداشتی، خدمات درمانی و پذیرش‌های بیمارستانی است. (C.N.N, 2020)

این موارد نشان‌دهنده نژادگرایی و نژادپرستی در ایالات‌متحده آمریکا در

بحبوحه بحران کرونا است. ایالات متحده همچنین در رویه‌ای ناسیونالیستی، سازمان بهداشت جهانی را تهدید به کاهش بودجه بهداشتی سالیانه کرده است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، بارها رویه‌های فراملی در مدیریت بحران کرونا را نادیده گرفته و بر دوگانه‌سازی اقتصاد _ سلامت تأکید ورزیده است. علاوه بر آمریکا، اروپا نیز در موارد متعددی شاهد ظهور ناسیونالیسم بوده است. اتحادیه اروپا در شرایط بحران کرونا، در اجرای اقدامی جمعی علیه همه‌گیری این ویروس، عمدتاً ناتوان بوده است. در واقع، در این دوره، کشورهای اروپایی به سمت انزوا بر مبنای حاکمیت ملی سوق یافته‌اند. احیای ناسیونالیسم احتمال قیام جناح‌های راست‌گرای محافظه‌کار ناسیونالیستی در سیاست‌های اروپا را افزایش داده است (همانند قیام و جنبش سیاهان در آمریکا که در واکنش به سیاست‌های نژادپرستی و ناسیونالیستی ترامپ دست به این جنبش‌ها زدند). این امر ممکن است بیشتر باعث قطع همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی کشورهای اروپایی شود. در برخی کشورهای آسیایی نیز شاهد تشدید منازعات ملی‌گرایانه در شرایط بحران کرونا بودیم؛ برای مثال، در هند به دلیل اینکه ویروس کرونا از سوی هندوها به‌عنوان «جهاد کرونا» خوانده می‌شود، شاهد تنش‌های همگانی بین هندوها و مسلمانان هستیم. هندوها ادعا کردند که بخشی از جامعه مسلمانان، انتشار ویروس کرونا در هند را برای کشتن هندوها می‌دانند (Aziz, 2020, p. 116). به هر حال، بحران پیچیده کرونا، ابهام در منشأ شکل‌گیری آن و مهم‌تر از آن ناتوانی دولت‌ها در مدیریت آن باعث شکل‌گیری منازعات فروملی، ملی و فراملی شده که در ادامه به نتایج دیگر آن که شامل گسست جهانی شدن و افزایش رقابت‌های منطقه‌ای است اشاره می‌شود.

ب) گسست و تضعیف «جهانی‌شدن»

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند، شرایطی که هم‌اکنون در جهان کرونایی به وجود آمده، دولت‌ها را به این نتیجه رساند که باید از هم جدا شوند. دیگر به هم پیوستن واحدهای جهانی معنا ندارد. این دسته از اندیشمندان معتقدند: «برای اینکه امنیت روابط کشورها خدشه‌دار نشود، وابستگی‌های اقتصادی آنها باید از هم جدا شود».

نتیجه‌گیری آنها این است که «بایستی بازنگری مجددی در خصوص «سیستم عرضه بین‌المللی» و «شبکه انتقال بین‌المللی» (با تأکید بر نقش مستقل دولت‌ها و مراجع داخلی کشورها)، حداقل در مورد کالاهای بهداشتی _ درمانی داشته باشیم؛ زیرا این سیستم‌های درهم‌تنیده بین‌المللی باعث گسترش بحران کرونا و ناکارآمدی دولت‌ها شده است». به دلیل عدم استقلال بسیاری از کشورها در تولید کالاها و خدمات پزشکی؛ از جمله تولید کیت‌های تشخیصی، دستگاه‌های تنفسی پیشرفته، داروهای مؤثر و ... به‌خاطر درهم‌تنیده بودن شبکه‌های تولید و عرضه کالاهای پزشکی میان بسیاری از کشورها، خصوصاً کشورهای غربی، هرگونه اقدام مستقل و مؤثر از سوی تک‌تک این کشورها با دشواری و چالش مواجه بوده است. به دلیل غالب بودن همین سیستم، اغلب کشورهای اروپایی در مواجهه با بحران کرونا ناتوان بودند و دچار هزینه‌های سنگین انسانی و اقتصادی شدند؛ بنابراین، درصدد بازنگری در این سیستم ناکارآمد عرضه و تقاضای جهانی شدند (International labour organization, 2020).

این توضیح لازم است که بعد از فروپاشی شوروی، زنجیره‌های عرضه و تقاضای جهانی به دولت ایالات متحده وصل می‌شدند. به دلیل وجود یک زنجیره واحد، سیستم منافع مشترک برای اغلب کشورها به‌وجود می‌آمد؛ هرچه این سیستم جهانی عرضه و تقاضا گسترش پیدا می‌کرد، منازعه بین قدرت‌ها نیز کاهش پیدا می‌کرد. این سیستم که نتیجه حاکمیت و حکمرانی آمریکا پس از جنگ سرد بود، جذابیت و محبوبیتی برای برخی قدرت‌های بین‌المللی به‌وجود آورد که از آن برای مدیریت نظام بین‌المللی بهره می‌گرفتند. آمریکا به‌عنوان «تنظیم‌کننده» این زنجیره عرضه _ تقاضای جهانی عمل می‌کرد که نتیجه آن، شکل‌گیری یک همگرایی جهانی با محوریت کاخ سفید و نتیجه آن، حل و فصل بحران‌های بین‌المللی با مداخله و نقش‌آفرینی ایالات متحده بود. نمونه این اقدام، نقش دولت ایالات متحده در حل بحران مالی ۲۰۰۸ با مداخله و دست‌کاری در بازارهای جهانی اقتصادی بود.

با این حال، مشکلات چند سال اخیر به‌ویژه پس از شیوع بحران کرونا که

باعث ایجاد چالش‌های جدی برای ایالات متحده آمریکا شد، نقش این کشور را به‌عنوان «تنظیم‌کننده سیستم عرضه و تقاضای جهانی» دچار چالش کرد. این شرایط که با نوعی گسست در جهانی‌شدن نیز همراه شد، ایالات متحده را بیشتر از گذشته دچار ناامنی و آسیب‌پذیری کرده است (قالیباف، ۱۳۹۹). به‌عنوان مثال، بحران کرونا، بسیاری از صنایع آمریکایی را دچار چالش کرد. صنایع خودروسازی، رایانه و لوازم الکترونیک که ایالات متحده در آنها مزیت نسبی داشته است بیش از همه دچار مشکل شدند. برای نمونه، شرکت آمریکایی «اپل» که در ۴۳ کشور جهان کار می‌کند با اوج‌گیری ویروس کرونا بیش از ۱۲ درصد از ارزش بازارهای خود را از دست داد. این شرکت اکنون به دلیل مشکلات توزیع با کمبود قطعات مواجه است. همچنین تا اواسط سال ۲۰۲۰ صنعت خودروسازی آمریکا حدود ۵۰ درصد از میزان تولیدات خود را نسبت به زمان قبل از ویروس کرونا از دست داد که ضربه سنگینی به اقتصاد این کشور محسوب می‌شود (UNIDO, 2020).

به‌هرحال، اختلال در زنجیره تجارت جهانی باعث شده تا برخی صاحب‌نظران آمریکایی، همانند بسیاری از صاحب‌نظران کشورهای دیگر، کشورشان را ذیل «بازندگان جهانی‌شدن» مطرح کنند و بر دیدگاه‌های ملی‌گرایانه اقتصادی و تجاری تأکید کنند. زیرا از دیدگاه آنها، فرایند جهانی‌شدن و ادغام کشورها در اتحادیه‌های تجاری و اقتصادی، مشکلی را برای آنها در زمان گرفتاری‌های کرونایی حل نکرده؛ بلکه این سیستم غیرمستقل و پیچیده بین‌المللی، مشکلاتشان را افزوده است. این دانشمندان نتیجه‌گیری می‌کنند که به دلیل ناتوانی این سیستم و به‌دنبال آن، تلاش کشورها برای حفظ استقلال اقتصادی و خودیاری، فرایند «جهانی‌شدن در حال ترک خوردن و اضمحلال یافتن» است. در نتیجه، ما شاهد نوعی «تمرکزگرایی» در سیستم حکمرانی کشورها و یا در سیستم عرضه و تقاضای بین‌المللی خواهیم بود.

ج) افزایش رقابت و «نفوذ منطقه‌ای» قدرت‌ها

به‌دنبال گسترش بحران کرونا در سراسر جهان و در پی آن، گسست در روند

جهانی‌شدن، یکی از مفاهیمی که در حال اهمیت و موضوعیت یافتن است بحث «نفوذ منطقه‌ای» است. «مؤسسه رند» در گزارشی با عنوان «تأثیرات کووید ۱۹ بر روی پویش‌های راهبردی خاورمیانه» به این موضوع اشاره کرده است. در این گزارش، مهم‌ترین تأثیرات پسا کرونا در منطقه، شامل افزایش درگیری ایران - آمریکا در مناطق پیرامونی و مداخلات بیشتر روسیه و چین در محیط خاورمیانه برشمرده شده که در صورت تداوم این بحران، صورت‌بندی‌های امنیتی منطقه نیز تغییر خواهند کرد (Kaye, 2020).

بسیاری از اندیشمندان معتقدند که جهان کنونی در حال حرکت به سمتی است که دیگر ایالات متحده نمی‌تواند جلوی نفوذ منطقه‌ای رقبا را بگیرد؛ از این رو، باید نفوذ منطقه‌ای رقبا را به رسمیت بشناسد. «گراهام تی آلیسون» استاد سرشناس دانشگاه «هاروارد» در مقاله جدید خود در مجله فارین افیرز (March-April 2020) با عنوان «نفوذ منطقه‌ای را باید به رسمیت شناخت»، با نشان دادن پرچم کشتی‌های در حال بازگشت آمریکا از منطقه به تبیین کاهش نفوذ ایالات متحده در مناطق مختلف جهان و در نتیجه، پذیرش رقابت قدرت‌های بزرگ پرداخت. «راندال شوئلر»، واقع‌گرای معروف نئوکلاسیک (دانشگاه اوهایو)، نیز در همین مجله فارین افیرز در مقاله‌ای به تعریف دوباره «قدرت و امنیت» پرداخته و عنوان کرد که «با بروز بحران کرونا، شاهد پدیده‌ای به نام «جهان مناطق» و حرکت به سمت جهان ژئوپلیتیک‌تر هستیم». شوئلر از رقابت چین در منطقه پاسیفیک و حضور ایران در منطقه خلیج فارس به‌عنوان مصادیق جهان مناطق پسا کرونا اشاره می‌کند (Schweller, 2020).

رقابت‌های ناشی از بحران کرونا می‌تواند در سطح ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی در منطقه شکل بگیرد. کاهش قیمت انرژی و در پی آن افزایش یا کاهش حضور قدرت‌ها در مناطق پیرامونی (برای مثال، حضور روسیه و چین در غرب آسیا، حضور عربستان در یمن، حضور ایران در مناطق پیرامونی و ...) می‌تواند رقابت‌های ژئوپلیتیکی را در بین قدرت‌های این منطقه افزایش دهد (Aziz, 2020, p. 116).

کاهش قیمت نفت همچنین می‌تواند منازعات قومی _ امنیتی را در درون کشورهای مختلف افزایش دهد؛ برای مثال، ۹۰ درصد از بودجه عراق به نفت متکی است. با توجه به بروز نارضایتی‌های اجتماعی در سال‌های اخیر که منجر به استعفای نخست‌وزیر عادل عبدالمهدی شده است، این موضوع در صورت تداوم می‌تواند بی‌ثباتی‌ها را در این کشور تداوم بخشد.

از طرفی این رقابت‌ها می‌تواند میان نظام‌های سیاسی و فراتر از آن ایدئولوژی‌های سیاسی مختلف بر سر چگونگی مدیریت و پیروز شدن بر بحران کرونا رخ دهد. در این زمینه، هر کشوری که بتواند زودتر از سایر کشورها نسخه نابودی ویروس کرونا و تولید واکسن مؤثر این بیماری را برعهده بگیرد، می‌تواند به‌عنوان یک نظام سیاسی تأثیرگذار در نظام بین‌الملل کنونی معرفی شود.

د) چشم‌انداز منفی اقتصادی جهان

قبل از شیوع کرونا، چشم‌انداز رشد اقتصادی جهانی خوش‌بینانه‌تر از امروز بود. در ژانویه سال ۲۰۲۰، پیش‌بینی می‌شد رشد اقتصاد جهانی از ۲,۹ درصد در سال ۲۰۱۹ به ۳,۳ درصد در سال ۲۰۲۰ و تا سال ۲۰۲۱ به ۳,۴ درصد برسد. کارشناسان صندوق بین‌المللی پول این محاسبات خوش‌بینانه را بر اساس رشد تولید جهانی صنعتی و توقف بحران جنگ تجاری بین دو غول اقتصادی جهانی؛ یعنی چین و ایالات متحده برآورد کرده بودند، اما امروز سازمان تجارت و توسعه سازمان ملل متحد، پیش‌بینی می‌کند که در پی انتشار این ویروس، اقتصاد جهانی حدود یک تریلیون دلار دچار خسارت شود و رشد جهانی به کمتر از ۲,۵ درصد برسد که در نتیجه آن تقریباً همه کشورها با یک رکود اقتصادی بی‌سابقه مواجه خواهند بود. (McKinsey, 2020)

براساس برآوردهای صندوق بین‌المللی پول، چین امروز یکی از مهم‌ترین موتورهای رشد اقتصاد جهانی به حساب می‌آید؛ زیرا به‌طور جداگانه در سال ۲۰۱۹ حدود ۳۹ درصد از رشد اقتصادی جهانی را به خود اختصاص داده بود. پیامدهای ویروس کرونا بر اقتصاد جهانی از تمام ویروس‌های مشابه قبلی بیشتر تخمین زده می‌شود. در زمان حاضر بیش از ۶۰ درصد از کل تولید جهان، ۶۵

درصد از تولید صنعتی و ۴۱ درصد از کل صادرات تولیدی جهان در اختیار کشورهایایی است که بیش از همه درگیر اپیدمی کرونا شده‌اند، علاوه بر این، برخی از کشورها مانند چین، ایالات متحده و ژاپن نقشی اساسی در زنجیره عرضه جهانی دارند؛ در نتیجه رکود اقتصاد جهانی بعد از کرونا امری طبیعی است (Rehman et al., 2020, p. 457). آمریکا طی سه مرحله بخش صنعتی جهان را تحت تأثیر قرار داده است:

۱. قطع تولید: این ویروس مرکز تولید صنعتی جهان در آسیای شرقی و همچنین ایالات متحده و آلمان را به شدت درگیر کرده است.
 ۲. ایجاد اختلال در زنجیره عرضه جهانی: توقف تولید در کشور تولیدکننده عمدتاً صنایع وابسته به این را در کشورهای دیگر تحت تأثیر قرار می‌دهد.
 ۳. کاهش تقاضا و فعالیتهای تجاری جهانی.
- از سوی دیگر، حجم عمده‌ای از تجارت جهانی تحت تأثیر اقتصاد چین قرار دارد؛ زیرا پکن یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری اکثر کشورها محسوب می‌شود. براساس داده‌های سازمان تجارت جهانی، چین از سال ۲۰۰۹ بزرگ‌ترین صادرکننده جهان و دومین واردکننده بزرگ کالاهایی مانند نفت، سنگ آهن و سویا بوده است، بنابراین انتظار می‌رود که کاهش فعالیت اقتصادی در این کشور تأثیر چشمگیری بر حجم تولید و تجارت جهانی داشته باشد. (McKinsey, 2020)
- بنابراین، برخی تحلیل‌گران در پرتو بحران کرونا تغییرات اساسی را در شبکه رشد اقتصاد جهانی پیش‌بینی کرده‌اند که البته کلید این تغییرات پیش از این همه‌گیری در جنگ تجاری آمریکا و چین زده شده بود. داده‌های «یونیدو» (سازمان توسعه صنعتی ملل متحد) کاهش مستمر رشد تولید اقتصادی جهان را نشان می‌دهد که حاکی از کاهش رشد اقتصادی جهان پیش از شروع بحران کووید-۱۹ است. شکل ۱ روند رشد اقتصادی جهان از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۰ را نشان می‌دهد.



شکل ۱. روند رشد اقتصادی جهان از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۰

(Source: Coronavirus: The Economic Impact. 07 Apr 2020)

۳. الگوهای نظم جهانی در عصر پسا کرونا

روابط بین‌الملل مدرن از سال ۱۶۴۸ با محوریت اروپا شکل گرفت، اما امروزه با گذشت چندین قرن، نشانه‌هایی از پیدایش روابط بین‌الملل غیرغربی مشاهده می‌شود؛ به‌ویژه پس از افول جایگاه آمریکا در رقابت‌های جهانی با چین و افول جایگاه اتحادیه اروپا که حتی با برگزیت تا مرز فروپاشی نیز پیش رفت. با توجه به چالش‌هایی که در شرایط کنونی برای هژمونی آمریکا و به‌ویژه افول قدرت نرم این کشور در مدیریت بحران بین‌المللی کرونا به‌وجود آمد، عده‌ای از نظریه‌پردازان بر این اعتقادند که بحران کرونا، روند انتقال قدرت در سطح بین‌المللی و شکل‌گیری روابط بین‌الملل پساغربی را تسریع بخشیده است. در چنین شرایطی با توجه به خیزش چین به‌عنوان یک قدرت اقتصادی نوظهور و تجربه موفق آن در بسیاری از بحران‌های بین‌المللی، ازجمله بحران کرونا، برخی صاحب‌نظران معتقدند که در آینده بسیار نزدیک، یک «نظام دوقطبی» و یا یک نظام «چند قطبی پُر جُدال» (با محوریت چین - آمریکا) شکل خواهد گرفت که این جدال‌ها روزبه‌روز به افول جایگاه آمریکا دامن خواهد زد (Haass, 2020).

به‌رحال در شرایط کنونی، اثرات همه‌گیر بحران کرونا به‌عنوان یک متغیر تسریع‌کننده در روابط بین‌الملل، بسیاری از معادلات سیاست جهانی را دچار تغییر

و تحول خواهد کرد؛ در چنین شرایطی، افزایش تنش‌های دیپلماتیک هم‌ارز با وضعیت اقتصادی روبه‌زوال، تأثیرات قابل توجهی بر خصومت‌های بین‌دولتی خواهد گذاشت. افزایش تنش‌ها در زمینه تجارت و سرمایه‌گذاری در کنار تهیه دارو و تجهیزات پزشکی، بازتعریف آینده سیاست جهانی خواهد بود. طرح‌های جدید سیاسی بین قدرت‌های بزرگ، ماهیت توازن سیاست قدرت را تغییر می‌دهد و رقابت بین دولت‌ها در مورد موضوعات مربوط به بهداشت و سلامتی آغاز می‌شود.

با توجه به این شرایط، در جهان پساکرونا احتمالاً شاهد یک سیستم بین‌المللی جدید خواهیم بود که در آن رقابت قدرت‌های بزرگ با یک نسخه تغییر یافته از سیاست قدرت روبه‌رو خواهد شد. در حال حاضر، طرح‌های مقابله‌ای موجود بین چین و ایالات متحده به نوبه خود تغییر کرده است که مقامات دولتی آمریکا، پکن را مقصر انتشار ویروس از ووهان می‌دانند. در عوض، پکن اقدام به ذکر گمانه‌زنی‌هایی مبنی بر استفاده ارتش آمریکا از این ویروس به‌عنوان سلاحی علیه چین کرده است. بازی مقصر بین پکن و واشنگتن به‌زودی از بین نمی‌رود. در حقیقت، خصومت شدید بین دو ابر قدرت فضای کافی را برای قدرت دیگر فراهم می‌کند یا به قدرت دیگر اجازه می‌دهد تا از تجاوز چین و آمریکا بهره‌برد (Rehman et al., 2020, p. 457).

محتمل‌ترین آینده جهان به دولت‌های چینی و آمریکایی اجازه می‌دهد تا اتحادیه‌های خود را در مناطق مختلف تحت یک سیستم دوقطبی جهانی تأسیس کنند. این قطبش مبتنی بر ارزش‌های چینی و آمریکایی ضمن تأثیرگذاری بر طرح‌های سیاسی مناطق مختلف، دنیای جدیدی ایجاد خواهد کرد. بدون تردید ویروس کرونا باعث شده است تا دولت‌ها در طول این بحران بین‌المللی ناتوان شوند، اما هنوز هم قدرت‌های بزرگ همچنان به تأمین مواضع مسلط خود در جهان ادامه می‌دهند. با توجه به «بازی سرزنش» مداوم میان پکن و واشنگتن، تئوری‌های توطئه بیشتر می‌توانند ابعاد دیگری را در تقابل چین و آمریکا بیفزایند. به عبارت دیگر، بحث در مورد تعیین ویروس کرونا به‌عنوان یک فاجعه طبیعی یا

یک فاجعه انسانی، تأثیر چشمگیری بر نظم سیاسی جهانی خواهد گذاشت. بنابراین در پاسخ به ویژگی‌های نوظهور دنیای جدید، حاکمیت‌های ملی مناطق مختلف سعی می‌کنند ضمن تنظیم منافع ژئواستراتژیک خود در دنیای جدید، موقعیت خود را بازتعریف کنند. به این ترتیب، یک نسخه به‌روزشده از سیاست جهانی سعی در تغییر مفاهیم سنتی رقبای انعطاف‌ناپذیر، رقبای بالقوه برای اصلاح مفاهیم شرکای همکاری و متحدین قابل اعتماد داشت. بنابراین، سناریوی مذکور اشاره به آغاز سیاست‌های مدیریت کرونا دارد و خصومت‌های معاصر بین دولت‌ها در جهان پساکرونا مجدداً شکل می‌گیرد (Rehman et al., 2020, p. 458).

به هر ترتیب، بحران کرونا باعث شده تا جدالی بین نظام‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف سیاسی بر سر نوع مدیریت و پیروزی در آن شکل گیرد. «نوام چامسکی» اندیشمند منتقد آمریکایی در این زمینه معتقد است: «ما پس از کرونا شاهد دو نوع نظم سیاسی و مدل حکمرانی خواهیم بود: یکی تقویت دولت‌های اقتدارگرا و استبدادی افراطی و دیگری دولت‌های مردم‌سالار واقعی و مسئولیت‌پذیر در قبال انسان‌ها (نه لزوماً لیبرال دموکراسی) که مشروعیت و مسئولیت مردمی آنها بیشتر خواهد شد.»

این الگوی جدید در سیاست جهانی پساکرونا، بازگشت به «دولت‌های رفاه بازسازی شده» خواهد بود؛ زیرا دولت‌های نولیبرالی به‌خاطر عدم مداخله در خدمات درمانی و بهداشت عمومی به دلیل عدم صرفه اقتصادی و ناسازگار بودن با منطق هزینه-فایده و سودمحور بودن سرمایه‌داری که در بحران کرونا به وضوح آثار منفی و ناکارآمدی خود را نشان داد با انتقادات بسیاری مواجه شده و سبب گرایش به بازتعریف دولت‌های رفاه شده است؛ مانند دولت‌های رفاه امروز در کشورهای اسکاندیناوی. بحران کرونا و چگونگی مدیریت آن در کشورهای اروپایی، آینده اتحادیه اروپا را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. به‌ویژه براساس این واقعیت که امروز اتحادیه اروپا، «مرد بیمار اروپا» است. این اتحادیه از لحاظ درونی و جهانی وضعیت مطلوب و حتی مقبولی ندارد. به‌گونه‌ای که به‌رغم همه

تلاش‌هایی که برای تقویت این اتحادیه صورت گرفته هم به لحاظ انسجام درونی و هم نقش‌آفرینی بین‌المللی دچار مشکل و چالش است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۹). بنابراین، در آینده‌ای نزدیک احتمال شکل‌گیری دولت‌های رفاهی مسئولیت‌پذیر در اروپا و فاصله‌گیری از روندهای فراملی‌گرایی موجود در اتحادیه اروپا بسیار محتمل است.

نتیجه‌گیری

ترسیم وضعیت جهان در شرایط بحران کرونا، نشان‌دهنده تحولاتی مهم در نظام بین‌الملل بوده که از جمله آنها می‌توان به تقویت ملی‌گرایی، تضعیف روند جهانی‌شدن، افزایش رقابت‌های جهانی _ منطقه‌ای، رکود و چالش اقتصادی جهانی و تضعیف همکاری‌های بین‌المللی اشاره کرد. در این چالش مهم جهانی، عملکرد دولت‌های لیبرال غربی به دلیل درپیش گرفتن منطق هزینه _ فایده و دوگانه‌سازی اقتصاد _ بهداشت، سبب شد تا مدل لیبرال _ دموکراسی غربی در مواجهه با بسیاری از بحران‌های بین‌المللی با ناکارآمدی مواجه باشد و در مقابل، گرایش بسیاری از بازیگران جهانی به «دولت‌های مسئولیت‌پذیر اجتماعی» که هم‌زمان نقش‌آفرینی بیشتری در عرصه خدمات عمومی داشته باشند و نیز ارزش‌های انسانی را فارغ از سودانگاری مادی در زمان بحران‌ها مدنظر قرار دهند افزایش پیدا کند.

در این چهارچوب، دیدگاه نظریه‌پردازان انتقادی _ استعلایی روابط بین‌الملل، از جمله دیدگاه‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در ارائه خدمات گسترده اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های انسانی، فارغ از هرگونه فایده‌انگاری مادی، می‌تواند نوید گونه‌جدیدی از دولت‌سازی در جمهوری اسلامی ایران _ مطابق با بیانیه گام دوم انقلاب _ باشد که به دلیل نقش‌آفرینی جوانان _ به‌عنوان موتور محرکه رشد و پیشرفت کشورها _ و مدنظر قرار دادن علم، تکنولوژی، اخلاق و معنویت در عرصه‌های داخلی و خارجی کشور، مورد توجه و اقبال سایر کشورها قرار گیرد. به‌رحال، بحران کرونا با وجود چالش‌هایی که برای جمهوری اسلامی ایران در پی داشته، متضمن فرصت‌های مهم برای کشور نیز بوده است؛ از جمله این

فرصت‌ها، اهمیت گرایش به مذهب و معنویت در بین کشورهای جهان، تقویت گفتمان همکاری _ مودت در بین کشورها برای برون‌رفت از بحران کرونا برخلاف تمایلات منازعه‌جویانه و رقابت‌آمیز قدرت‌های بزرگ و همچنین افزایش فشار جامعه جهانی نسبت به سیاست‌های خصمانه و ضدحقوق بشری آمریکا در مواجهه با بحران کرونا بوده است. به‌طور ویژه، فشاری که بحران کرونا بر سر جوامع و دولت‌ها ایجاد کرده جوامع را ناگزیر نموده به سمت دستورات الهی و موازین دینی گرایش بیشتری داشته باشند. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک نظام مردم‌سالار دینی در این فضا مزیت بیشتری پیدا کرده و می‌تواند این ادبیات را در صحنه جهانی تقویت و بازتولید کند. علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های نظریه‌پردازی در زمینه دولت‌سازی جهانی به‌ویژه در ارائه مدلی از نظام سیاسی با مسئولیت جهانی واجد فرصت‌های مهمی است. امری که در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ذیل تشکیل «دولت اسلامی» از سوی مقام معظم رهبری بدان تأکید زیادی شده است.

منابع

- جکسون، رابرت و سورنسون، گئورگ (۱۳۹۴). *درآمدی بر روابط بین‌الملل* (مهدی ذاکریان، ترجمه). تهران: میزان خارجه. نیمسال دوم.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۹). *نظام بین‌الملل پساکرونا چگونه خواهد بود؟*. خبرگزاری تسنیم. <https://tn.ai/2257040>
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹). *نظریه‌های امنیت*. تهران: نشر ابرار معاصر.
- عسگرخانی، ابومحمد و رحمتی، رضا (۱۳۸۹). *نظریه واقع‌گرایی و امنیت بین‌الملل*. *فصلنامه سیاست خارجی*، ۲۴ (۱).
- قالیاف، محمدباقر (۱۶ فروردین ۱۳۹۹). *ما و نظم جهانی پساکرونا*. جامعه خبری تحلیلی الف. <https://www.alef.ir/news/3990116100.html>
- مظلوم، علی (۱۳۸۸). *امنیت و امنیت ملی*. حصون، (۱۹)، صص ۱۸۳-۲۰۴.
- مقام معظم رهبری، (۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۹). *بیانات در ارتباط تصویری با ستاد ملی مبارزه با کرونا*.

- Aziz, A. (2020). A New Calculation of Global Leadership: Post Corona World Order. *Global Political Review*, V(I), pp. 112-118.
- Cox. R. W. (1981). Social Forces, States and World Orders: Beyond International Relations Theory, *Millennium* 23, no. 2.
- C.N.N, (2020/06/12). *Why black Americans are at higher risk for coronavirus*. Available at : <https://edition.cnn.com/videos/politics/2020/06/12>.
- Doha Forum, (14/12/2019). *Reimagining governance in multipolar world*. Available at: <https://dohaforum.org/docs/default-source/default-document-library/version-7.pdf>.
- Haass, R.; Ikenbery, J.; Schake, K. & Walt, S. (20 March 2020). *How the World Will Look After the Coronavirus Pandemic*. Available at: <https://foreignpolicy.com/2020/03/20/world-order-after-coronavirus-pandemic/>

- Habermas, J. (6 April 2020). *Europe needs a coronabonds coalition of the willing to prevent economic disaster*. www.newstatesman.com › world › europe ›.
- International labour organization (7 June 2020). *The effects of COVID-19 on trade and global supply chains*. Available at: https://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---dgreports/---inst/documents/publication/wcms_746917.pdf
- Kaye, D. (26 March 2020). Covid 19 Impacts on Strategic Dynamics in the Middle East. Rand Institute.
- McKinsey & Company (29 October 2020). *The coronavirus effect on global economic sentiment*. Available at: <https://www.mckinsey.com/business-functions/strategy-and-corporate-finance>.
- Nye, J.S. (20 March 2020). *How the World Will Look After the Coronavirus Pandemic*. <https://w-hospitalitygroup.com/wp-content/uploads/2020/05>.
- Peik Herfeh, Sh. (2020). Liberal Democracy in the Post-Corona World. *The Quarterly Journal of Philosophical Investigations*, 14, Issue 31.
- Rehman Attiq-ur; Shahid Hussain Bukhari & Syed Mussawar Hussain Bukhari (2020). The Post-Corona World and International Political Landscape: Emerging Challenges. *Journal of Business and Social Review in Emerging Economies*, 6(2), pp. 453-461.
- Schweller, R. (3 March 2020). *Will the security architecture of the western Pacific change post-COVID 19?*, <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/09733159.2020.1776011>
- UNIDO (17 Jun 2020). *Coronavirus: the economic impact*. Available at: <https://www.unido.org/stories/coronavirus-economic-impact-28-march-2020>
- UNCTAD (4 March 2020). Trade and Development Report Update: Global Trade Impact of the Coronavirus (COVID-19) Epidemic.